

ادعای دولت درباره‌ی بیشترین حمایت از افشار ضعیف‌جقدر با واقعیت منطبق است؟

نخستین دقایق پامداد یکشنبه ۲۷ دی ۹۴ بود که

همه تلاش‌های دو و نیم ساله دولت یازدهم به سرانجام رسیده بود؛ دولتی که همه کار کرد تا هیچ کاری نکند! و حالا «وین» منظرگاہ ایرانیان برای آینده بهتر بود. روزنامه‌ها ۲۷ دی ۹۴ از صبح بدون تحریم و فروپاشی سازمان آنها نوشتند و سیاستمداران در حال گرفتن سلفی برای ثبت این افتخار برای خود بودند. هرچند ظهور دیول‌های مانند ترامپ، برجام را در نیمه‌راه به کما بُرد و انتظارات اجتماعی از این رویداد نیز به‌تدریج از احساسات غیرمنطقی تخلیه شد، اما تحلیلی از آثار اقتصادی و اجتماعی برجام به افکار عمومی ارائه نشد. خبری کوتاه در ۲۹ مهر ۹۹ توجه‌ها را به خود جلب کرد: گزارشی از دفتر امور اقتصاد کلان سازمان برنامه‌وبودجه از دولتی که برجام در آن امضاءشده بود. یکی از دلالت‌های اعداد و ارقام گزارش این بود: «بیشترین نفع اجرای برجام به خانوارهای ثروتمند رسید؛ در مقابل بیشترین فشار تحریمی در اثر خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۹۷ به خانوارهای فقیر اصابت کرده است». هرچند جزئیات کامل این گزارش تا امروز منتشرنشده است؛ اما اعداد برآمده از این گزارش و البته محاسبات نگارنده تحلیل مهمی از تغییرات رفاه خانوار در دهه ۹۰ بیان می‌کند:

الف) درآمد سرانه واقعی خانوار در طی دهه نود کاهشی ۳۴ درصدی و همزمان ضریب جینی در یک‌روند

ردیف	شاخص	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
۱	ضریب جینی	۰/۳۶۵۰	۰/۳۷۸۸	۰/۳۸۵۱	۰/۳۹۰۰	۰/۳۹۸۱	۰/۴۰۹۳	۰/۳۹۹۲
۲	سهم ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر جمعیت	۱۰/۳۴۵	۱۲/۳۳۳	۱۲/۴۵۵	۱۲/۵۹۹	۱۲/۶۵۵	۱۲/۴۵۵	۱۰/۴۸۱
۳	سهم هزینه ناخالص سرانه دهک فقیر در کشور	۰/۰۲۲۲	۰/۰۲۲۷۱	۰/۰۲۲۲۲	۰/۰۲۲۲۷	۰/۰۲۲۹۲	۰/۰۲۲۵۵	۰/۰۲۲۲۱
۴	سهم هزینه ناخالص سرانه دهک ثروتمند در کشور	۰/۲۸۹۸	۰/۲۹۰۸	۰/۲۹۰۵	۰/۳۰۸۶	۰/۳۱۲۷	۰/۳۲۴۹	۰/۳۱۶۹
۵	سهم دهست در فقیرترین جمعیت	۰/۰۶۷۹	۰/۰۶۲۹	۰/۰۶۲۷	۰/۰۶۱۳	۰/۰۵۹۱	۰/۰۶۷۹	۰/۰۶۲۹
۶	روند مجموع مخارج حقیقی خانوار شهری در سه دهک فقیر (میلیون تومان سالانه)	۶۵۰/۱۶	۶۲۱/۳۸۳	۶۲۱/۲۵۳	۶۴۱/۳۴۷	۶۶۱/۲۸۳	۶۰۱/۴۶۱	۵۵۰/۵۷۰
۷	روند مجموع مخارج حقیقی خانوار شهری در سه دهک ثروتمند (میلیون تومان سالانه)	۳۲۱/۱۰۶	۳۳۳/۸۴۶	۳۳۶/۲۱۹	۳۴۴/۳۳۱	۳۷۰/۶۶۸	۳۵۳/۸۲۷	۳۱۳/۵۵۵

منبع: سری زمانی داده‌های گزارش هزینه درآمد خانوارهای کشور- مرکز آمار ایران

رهر انقلاب در سخنرانی تلویزیونی ۱۹ دی

درباره گمانه‌زنی‌ها و مباحث جاری در فضای سیاسی کشور پیرامون رفتار جمهوری اسلامی در قبال برجام و وظایف آمریکا در این خصوص، گفتند: «ما هیچ اصراری نداریم، هیچ جعلای نداریم که آمریکا به برجام برگردد؛ اما مسئله ما این نیست که آمریکا به برجام برگردد یا برنگردد. آنچه مطالبه منطقی ما و مطالبه عقلانی ما است، رفع تحریم‌هاست؛ این حق غصب‌شده ملت ایران است.» این جملات موضوعی بود که رهبر انقلاب آن را به‌عنوان «سخن پایانی و قطعی» جمهوری اسلامی اعلام کردند.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ذیل پرونده «حرف قطعی» موضع جمهوری اسلامی در زمینه تحریم‌ها و برجام را در گفت‌وگو با آقای دکتر سعید جلیلی، نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی و از اعضای هیئت نظارت بر اجرای برجام بررسی می‌کند. رهبر انقلاب در سخنرانی اخیرشان گفتند که ما برای بازگشت آمریکا به برجام عجله‌ای نداریم و اساساً مسئله ما این نیست، بلکه مسئله اصلی این است که غربی‌ها و مشخصاً آمریکایی‌ها باید همه تحریم‌ها را سریعاً بردارند و لازمه بازگشت آمریکا به برجام را در رفع تحریم‌ها دانستند. به‌نظر شما مینا و منطبق ظرف چنین بحثی از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

بیبیند ایشان یک جمله‌ای فرمودند که به‌لحاظ کارشناسی بسیار جمله دقیقی است؛ یعنی کسی که روند موضوعات مربوط به برجام و تحریم‌ها و مسائل حسنه‌ای را به‌ویژه یکی دو دهه اخیر دنبال کرده باشد، شاید به این موضوع اذعان کند که این جمله، جمله‌ای است که بسیار دقیق هست و می‌تواند کمک کند به اینکه کشور هزینه‌های سنگینی را نپردازد. این جمله چیست؟ ایشان فرمودند ما عجله‌ای برای برگشت آمریکا به برجام نداریم. آن چیزی که برای ما مهم هست و موضوعیت دارد رفع تحریم‌هاست نه برجام؛ چون برجام یک وسیله‌ای بود برای اینکه تحریم‌ها رفع بشود. هدف چیز دیگری بود؛ هدف رفع تحریم‌ها بود. باز این را هم نه توجه به‌دهم. ایشان به‌صراحت فرمودند باید تحریم‌ها برداشته شود. باز این متفاوت است با اینکه تحریم‌ها متوقف بشود یا تحریم‌ها تعلیق بشود. از اول هم در برجام همین را ایشان مطالبه داشتند. فرمودند: تحریم‌ها باید رفع و برداشته شود.

خب باید ببینیم چه روندی طی شد. بحث مهمی‌است که آیا این هدفی که از ابتدا هدف‌گذاری شده بود که تحریم‌ها لغو و برطرف بشود آیا در برجام این شد یا نشده؟ و بحث دیگر اینکه بعد از تصویب و اجرای برجام، این کار انجام شد؟ اما در چه شرایطی هستیم و چه شرایطی برای ما مطلوب است؟ چون بالاخره هدف ما رفع تحریم‌هاست و چیزهای دیگر که برای ما موضوعیت ندارد. ما نه نرفتمیم مثلاً برجام را انجام بدسیم تا برای خودمان محدودیت مثلاً در فعالیت‌ها داشته باشیم تا این‌ها ایجاد کنیم. اگر آنها هم به هر دلیلی پذیرفته شد برای این بود که تحریم‌ها برطرف بشود.

اینکه رهبر انقلاب فرمودند که اگر تحریم‌ها رفع نشود و آمریکا به برجام برگردد حتی ممکن است برای کشور ضرر داشته باشد چه دلیلی دارد؟ بله، اگر تحریم‌ها رفع نشود و او به برجام برگردد ممکن است ضرر داشته باشد. من می‌خواهم این را باز کنم، چرا این فرمایش را فرمودند؟ این خیلی مهم است که جامعه این را بداند. ببینید وقتی که ترامپ از برجام

افزایشی به کانال ۴۰ واحد نزدیک شده است. (ب) ارزش واقعی پرداخت‌های انتقالی (مانند یارانه‌ها) در طی یک دهه گذشته روند نزولی طی کرده و به‌تبع سهم آن از کل درآمد خانوار کاهش‌یافته است. به‌عنوان مثال، ارزش واقعی یارانه ۴۵۵۰۰ در طی یک دهه گذشته کاهش یافته و امروز به مرز ۵۹۰۰ تومان رسیده است.

پ) در اثر اولین موج تحریمی دهه نود(سال۹۱)، تمام دهک‌های درآمدی با کاهش رفاه بین ۱۰ الی ۲۰درصدی مواجه شده‌اما بعد از سه سال و از ابتدای ۱۳۹۵ و با آغاز برجام تغییرات بهبود یابنده در وضعیت رفاه خانوار دیده‌شده است؛ اما نکته مهم توزیع بهره‌مندی دهک‌های درآمدی مختلف از این میزان بهبود است. حسب گزارش سازمان برنامه بودجه، این بهبود برای دهک‌های کم‌درآمد کمتر از نصف دهک‌های ثروتمند بوده است؛ لذا به‌صراحت بیان می‌کند بیشترین اثر منفی اعمال تحریم‌ها بر دهک‌های پایین درآمدی به‌خصوص روستایی و بیشترین نفع از اجرای برجام نصیب خانوارهای پُردرآمد شهری و روستایی شده است. (ت) بررسی شاخص «مخارج حقیقی خانوار» به‌تفصیل نشان می‌دهد بیشترین ارمان رونق برجامی در سال‌های ۹۴ و ۹۵ در مخارج خانوار سه دهک بالای درآمدی منعکس است و در مقابل بالاترین فشار معیشتی ناشی از موج تحریمی سال‌های ۹۷ و

حسب آنچه در جدول زیر مشاهده می‌کنید، اعداد هفت شاخص در حیطه مخارج خانوار طبقات مختلف جامعه در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است. حسب این شاخص‌ها، در سال‌های ۹۵ و ۹۶ که آثار گشایش برجامی منکس شده‌است؛ بهره‌مندی‌ها از طبقات بالای درآمدی به گروه‌های کم‌درآمد سرازیر شده‌است و به‌تبع سهم کمتری برای خانوارهای فقیر به‌دست آمده است و دقیقاً در سال‌های ۹۷ و ۹۸ اعداد این هفت شاخص در روندی معکوس، بیشترین اثر ضد رفاهی را بر دهک‌های کم‌درآمد گذاشته است.

آنچه در جدول با رنگ متمایز مشخص‌شده، بررسی تطبیقی دو سال ۹۵ و ۹۶ به‌عنوان سال‌های ظهور و بروز گشایش اقتصادی ناشی از برجام و سال‌های ۹۷ و ۹۸ به‌عنوان سال‌های موج دوم تحریمی آمریکا علیه ایران را حکایت می‌کند. این بررسی تطبیقی نشان می‌دهد سنخ سیاست‌ورزی برون‌گر در کشور، در توزیع بهره‌مندی ناشی از گشایش‌های اقتصادی به نحو متوازن عمل نکرده و کاملاً در خدمت منافع دهک‌های پُر درآمد است؛ در مقابل با تکانه و شوک‌های بیرونی ناشی از تحریم‌ها، کلون اصابت آثار ضد رفاهی، فقر و محرومین هستند.

حسین سرآبادانی تفرشی

حسین سرآبادانی تفرشی

و اجتماعی هر گز موجب نمی‌شود تا وعده‌های رئیس‌جمهوری را فراموش کنیم که سال ۹۲ با کلید گشایش‌های اقتصادی و بی‌نیاز کردن مردم از یارانه‌های نقدی وارد میدان شده بود.

حالا در عصر ظهور انتظارات مجدد برای احیای برجام با آمدن «جو بایدن» باید یادآوری کرد تجربه تاریخی می‌گوید برای تحقق عدالت به نفع محرومین، اصلاحات درونی بر گشایش‌های بیرونی تقدم و ترجیح دارد. متأسفانه گرایش شدید به ادغام با نظام بین‌الملل

طبعاً این تحلیل رفاهی از آثار خانوارها صرفاً متکی بر بخش مخارج مصرفی و هزینه‌ای است و اگر تحلیل را از حیث درآمد و ثروت موردتوجه قرار دهیم، این بی‌عدالتی بدیهی در حکمرانی عادلانه و متعهدانه گفت‌وگویی ساختاری به نحو پرنرگ‌تری جلوه خواهد کرد. متأسفانه فقدان داده‌های کافی از این حیث مانع از تحلیل آماری دقیق از آثار نابرابرساز تحریم در بُعد ثروت و دارایی‌های سرمایه‌ای است. رئیس‌جمهور محترم دهم دی‌ماه در هیئت دولت گفتند: «بعد از انقلاب اسلامی هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که مثل دولت‌های یازدهم و دوازدهم حامی افراد و اقشار کم‌درآمد بوده است». طبعاً مقایسه عملکرد این دولت با دولت‌های دیگر نیازمند مطالعه مستقلی است اما روند کلی اعداد مرتبط با معیشت مردم حاکی از آن است که توزیع بهره‌مندی‌ها در جامعه حتی در شرایط گشایش اقتصادی نامتوازن بوده است؛ هرچند که این روند برای اکثریت دهک‌ها نگران‌کننده به نظر می‌رسد. افزایش ضریب جینی و همزمان کاهش درآمد سرانه واقعی به معنای تحقق همزمان افزایش نابرابری و شتاب گرفتن عمق فقر در جامعه است.

مُداری نجیبانه مردم ایران با این شرایط اقتصادی

بررسی تحریم‌ها و برجام در گفت‌وگو با دکتر سعید جلیلی

۱۷۰ میلیون دلار برای کشور هزینه دارد. می‌گفتند این دقیق محاسبه شده؛ برای چه؟ برای اینکه مثلاً آن تحریم‌هایی که وجود داشت و هشتصد نفر حالا شخص حقیقی، حقوقی تحریم بودند و آن چیزهایی که وجود داشت. خب در این دوره که ۷۵۰ تا آن هم تازه با برچسب‌های بیشتر و با شدت بیشتر اضافه شد. الان آن ۱۷۰ میلیون دلار چقدر شده؟

اینها اصلاً چیزهایی نیست که در حقوق و منافع ملت قابل گذشت باشد. یک کسی بیاید یک خسارت سنگینی را بر کشور تحمیل کند آن هم در چه شرایطی؟ در شرایطی که خود آنها قبول دارند این‌ها همه تعهداتش را انجام داد. حالا اگر یک دولتی بیاید یک دفعه یک چنین هزینه‌ای را تحمیل کند شما اگر با همان مقیاس حساب کنید اصلاً من می‌گویم همان ۱۷۰ میلیون دلار نه بیشتر همین خسارتش چه می‌شود؟

یکی از موضوعات مهم همین است. اینکه اگر کسی احساس کند مثلاً می‌تواند بیاید نه اینکه فقط میشه شما را بشکنند و برود و هیچ هزینه‌ای برایش نداشته باشد، بلکه بیاید یک دیوار خانه شما را هم خراب کند هیچ هزینه‌ای نداشته باشد، فردا بیاید اموال خانه شما را بردارد ببرد، هیچ هزینه‌ای نداشته باشد و… بب این برای شما امنیت پایدار ایجاد می‌کند؟

اینجاست که اگر شما به آن توجه نکند و می‌آید بدترین فشارها را به شما تحمیل می‌کند. رهبر انقلاب در آن متنی که برای تأیید مشروط برجام نوشتند و مطرح شد شروطی را برای اجرایی‌شدن تعهدات مطرح کردند که مواردی از اینها در عمل اجرایی نشد و شرایط اشکالاتی از این ناحیه وجود آمد. حالا اگر ما «تجربه برجام» را پیش روی خودمان قرار بدهیم و در چارچوب آن بخواهیم اقدام کنیم نقشه راه حرکت کشور در این موضوع چه می‌تواند باشد؟ مثلاً همین بحث «تحریم در مقابل تعهد» را چطور باید عملی کنیم؟ این خیلی مهم است که شما یک تجربه بشوید؛ اگر دوباره تکرار نکنید. برجام فایده‌اش عدم اعتماد به آمریکا، عدم اعتماد به قدرت‌های بزرگ مثل اروپایی‌ها بود و اینکه دیدیم این‌ها هیچ‌کدام به تعهداتشان پایبند نبودند اما من یک بحث و روشی وقتی انقلاب شد نوشتم می‌خواستس مانع ملت ما بشو و اتفاقاً اولین گزینهای که استفاده کرد گزینه نظامی بود. هرچه هم در توانش بود انجام داد، ولی چرا الان دیگر بعد از چندین سال جرات نمی‌کند سراغ گزینه نظامی برود؟ چون مردم ما با مقاومت می‌توانند تحریم کنند؛ چون آن زمان ما بنزین را وارد دشمن فرمید دیگر این اثری ندارد. امروز که دشمن اهرم تحریم را دستش گرفته و ما می‌گوییم باید تحریم‌ها رفع بشود، این رفع تحریم‌ها یک گام بلندتر هم دارد و آن اینکه شما اصلاً تحریم را بی‌اثر کنید و اجازه ندهید اصلاً بتواند از اهرم تحریم استفاده کند.

مثلاً یکی از چیزهایی که دشمنان در بحث تحریم مطرح می‌کردند، تحریم بنزین بود. حالا ما کشوری که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت دنیا هستیم، او می‌گوید من بنزین را می‌خواهم تحریم کنم؛ چون آن زمان ما بنزین را وارد می‌کردیم و دشمن می‌دانست بنزین بحث مهمی در زندگی روزمره مردم است، لذا مرتب بحث تحریم بنزین را مطرح می‌کردند. بحث تحریم بنزین یک تحریم مؤثری هم هست. چرا امروز مطرح شد؟ ندهان؟ چرا همان سال‌ها حتی همان زمان اوپاما اصلاً این را روی میز خراج شد؟ چون ایران تولیدکننده و بلکه صادرکننده بنزین شد. جوانان ما رفتند در همین پالایشگاه، ستاره خلیج فارس یک حرکت بزرگی انجام دادند که ما امروز صادر کننده بنزین شدیم. این می‌شود بی‌اثر کردن تحریم.

صفحه ۷

پنج‌شنبه ۲ بهمن ۱۳۹۹

۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۶۶۶

چرا اعضای اتاق بازرگانی برای تحمیل FATF جوسازی می‌کنند؟ تجارت سیاسی اتاق بازرگانی و دولت بر سر منافع ملی

چکیده: برخی از اعضای اتاق بازرگانی از تصویب **لوايح FATF** به شدت حمایت می‌کنند، در حالی که **مسائل ابتدایی** FATF را هم نمی‌دانند. اظهارات آنها بیشتر شبیه به کارشناس دولت است تا یک تاجر و فعال اقتصادی!

شروع مجدد بررسی لوايح مرتبط با FATF، مجدداً بهانه‌ای فراهم کرده تا به مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تصویب این لوايح فشار رسانه‌ای آورده شود. بهانه‌ای که با چاشنی تحریف و با حرف‌های غیرکارشناسی ملایم می‌شوند. بخشی از این جریان، معدودی از اعضای اتاق بازرگانی هستند که به علت منافع شخصی وارد میدان شده‌اند و از تصویب این لوايح حمایت می‌کنند.

اظهاراتی که از سوی ایشان بیان می‌شود نشان می‌دهد که مطالعه و درکی در رابطه با سازوکارهای FATF ندارند. به عنوان مثال علی شریعتی از اعضای اتاق بازرگانی در مصاحبه با اصلاحات نیز می‌گوید:«این الزامات هیچ نقشی در درز اطلاعات بانکی ایران ندارد.» این درحالی است که در برنامه اقدام ۴۱ بندی FATF، صریحاً خواسته شده تا ذی نفع واقعی تراکنش‌ها مشخص شود. از طرف دیگر در صورتی که مشخص شود ذی نفع تراکنش‌های بانکی یک فرد یا نهاد تحریمی باشد، موسسه یا بانک خارجی تراکنش‌کننده از نظام کارگزاری دلار محروم می‌شود. این موضوع در شرایطی که نظام بانکی ایران در تحریم به معنای بستن بانک مسیرهای تبادلالت مالی ایران، کم شدن دسترسی‌های ارزی و کوچک‌تر شدن سفره درآمد است. در واقع آقای شریعتی بدون استدلال مشخص اصرار دارد که سفره مردم را کوچک‌تر از قبل کند.

اما او در بخشی دیگر باز هم بدون استناد می‌گوید چون تحریم‌ها قرار است برداشته شود پس باید FATF را بپذیریم. البته او که احتمالاً جزء ستاد استقلال از یابین در تهران است، فکر می‌کند با آمدن بایدن یک شبه تحریم‌ها برداشته می‌شود. قبلاً هم کسانی مثل او هر روز با وعده‌ای اینچنینی زندگی مردم را به خارخ و سیاست خارجی گره زده‌اند. کسانی که امروز مسئول دلار ۲۵ هزارتومانی و فشار اقتصادی بر مردم هستند، سال‌ها به همین امید کاری در کشور نکرند و اقتصاد کشور را به خارج گره زدند. او نیز مجدداً می‌خواهد با چای مفتول‌های افزایش بی‌عدالتی ساختاری در کشور خواهد وی که درب باغ سبز و سیب و گلابی به مردم نشان می‌دادند در این سال‌ها با همین نگاه سفره مردم را کوچک‌تر از دیروز کرده‌اند. امثال شریعتی باید پاسخ دهند با چه رویی همچنان به امید خارج نشسته‌اند و کلید مشکلات را در خارج جست‌وجو می‌کنند؟ جالب اینجاست که آقای تاجر هیچ ابایی هم از بیان این موضوع ندارد و در توجیه خود می‌گوید دلار سیاسی است. در واقع این عضو اتاق بازرگانی معتقد است چون دلار سیاسی است بنابراین باید اقتصاد کشور را در اختیار قوانینی داد که به کمک تحریم‌های آمریکا می‌آیند و تنها راه‌حل این است که به امید آمریکایی‌ها نشست.

در یادداشت‌ها و اظهارات این افراد تناقضات عجیب نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال یادداشتی از سوی مجیدرضا حریری، رئیس‌اتاق بازرگانی ایران و چین در روزنامه ایران به تاریخ ۶ دی‌ماه نگاشته شده است که در این یادداشت آمده است: «من به این موضوع مهم اعتقاد دارم که در شرایط کنونی نپذیرفتن FATF توجه به شدت تحریم‌هایی که علیه کشور اعمال شده است می‌تواند اقتضای ایران را با چالش‌های استراتژی روبرو کرد.» در تناقضی آشکار در خط بعدی گفته شده است: «پذیرفتن یا عدم پذیرش FATF در روابط اقتصادی بین ایران و چین تأثیری نخواهد داشت.» از نظر آقای حریری FATF به تأثیر در اقتصاد ایران تأثیر دارد و هم ندارد. نکته جالب‌ت در یادداشت آقای حریری این است که بخش پایانی این یادداشت دقیقاً روبروشی از بخش پایانی یک یادداشت دیگر است که تحت عنوان ستار محمدی تلوار در خبرگزاری جمهوری اسلامی به تاریخ ۲۶ آذرماه جرح شده است!

از طرف دیگر در اظهارات این افراد ادعاهایی مطرح می‌شود که تطبیق با چارچوب زمانی کنونی ندارد. به عنوان مثال پدram مسطلانی، رئیس‌اتاق بازرگانی ایران و اتریش طی یک یادداشتی در روزنامه ایران به تاریخ ۶ دی‌ماه ادعا کرده است: «اگر ایران وارد لیست سیاه FATF شود نه تنها اقدامات ذکر شده بیشتر تشدید خواهد شد بلکه مؤسسات پولی و مالی دنیا به هیچ وجه حاضر نخواهند شد که تراکنش‌های مالی با ظن این برای شما امنیت پایدار ایجاد می‌کند؟ اینجاست که اگر شما به آن توجه نکند و می‌آید بدترین فشارها را به شما تحمیل می‌کند. رهبر انقلاب در آن متنی که برای تأیید مشروط برجام نوشتند و مطرح شد شروطی را برای اجرایی‌شدن تعهدات مطرح کردند که مواردی از اینها در عمل اجرایی نشد و شرایط اشکالاتی از این ناحیه وجود آمد. حالا اگر ما «تجربه برجام» را پیش روی خودمان قرار بدهیم و در چارچوب آن بخواهیم اقدام کنیم نقشه راه حرکت کشور در این موضوع چه می‌تواند باشد؟ مثلاً همین بحث «تحریم در مقابل تعهد» را چطور باید عملی کنیم؟ این خیلی مهم است که شما یک تجربه بشوید؛ اگر دوباره تکرار نکنید. برجام فایده‌اش عدم اعتماد به آمریکا، عدم اعتماد به قدرت‌های بزرگ مثل اروپایی‌ها بود و اینکه دیدیم این‌ها هیچ‌کدام به تعهداتشان پایبند نبودند اما من یک بحث و روشی وقتی انقلاب شد نوشتم می‌خواستس مانع ملت ما بشو و اتفاقاً اولین گزینهای که استفاده کرد گزینه نظامی بود. هرچه هم در توانش بود انجام داد، ولی چرا الان دیگر بعد از چندین سال جرات نمی‌کند سراغ گزینه نظامی برود؟ چون مردم ما با مقاومت می‌توانند تحریم کنند؛ چون آن زمان ما بنزین را وارد دشمن فرمید دیگر این اثری ندارد. امروز که دشمن اهرم تحریم را دستش گرفته و ما می‌گوییم باید تحریم‌ها رفع بشود، این رفع تحریم‌ها یک گام بلندتر هم دارد و آن اینکه شما اصلاً تحریم را بی‌اثر کنید و اجازه ندهید اصلاً بتواند از اهرم تحریم استفاده کند.

در بخش پایانی یادداشت باز هم این ادعا تکرار می‌شود: «حقیقت محال این است که در صورت ورود ایران به لیست سیاه FATF این اتفاق وجود دارد که همین ۴ تا ۳ با یکسکه به ایران برای خرید و فروش نفت در حوزه بین‌المللی همکاری می‌کنند ادامه تبادلات بانکی خود را با ایران قطع کنند که در صورت وقوع این اتفاق شرایط سختی برای اقتصاد کشور به‌وجود خواهد آمد.» اکنون که ایران از ۱۰ ماه پیش در لیست سیاه FATF قرار گرفته است، این مسئله فرصت خوبی برای ارزیابی این ادعااست. طبق آمارهای مربوط به روبرتزو و بلومبرگ، فروش نفت ایران در سال جاری به یک و نیم میلیون بشکه در روز رسیده است؛ در حالی این رقم در سال گذشته حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود. افزایش فروش نفت بعد از قرار گرفتن در لیست سیاه FATF نشان می‌دهد که عدم اجرای استانداردهای FATF در واقع به نفع خودمان بوده است، در آن کالا وارد کنند و در بعضی این افراد در انتخابات از دولت حمایت ترابی

موجب گشایش بیشتر در تجارت خارجی می‌شود. با بررسی اظهارات این افراد می‌توان به جمع‌بندی رسید که بسیاری از اظهارات مطرح شده توسط این افراد، متعلق به خود آنها نیست و گویا از جای دیگری به آنها دیکته شده است. این مسئله با توجه به شواهدی که در رابطه با زدنوبند سیاسی دولت ایران در اولین حوزه تجارت وجود دارد، در آن ذهن نیست که این افراد از سبوی دولت سازماندهی شده‌اند که به عنوان تاجر و فعال اقتصادی مطالبی را در راستای تصویب لوايح FATF مطرح کنند. آقای امیرآبادی، عضو هیئت‌رئیس مجلس در برنامه عیباری تی وی به تاریخ ۲۳ دی‌ماه اعلام نمود که در یک جایی از دولت به بعضی از واردکنندگان از داده تا با آن کالا وارد کنند و در بعضی این افراد در انتخابات از دولت حمایت ترابی

سید حامد ترابی